

نویسد

(ماهنامه به حزب توده ایران)

شماره ۵ - بهمن ۱۳۵۵

رژیم عقب می نشیند؟

و غارتگری بی حساب و لحاظ کمبختی که
غلامان آماده یک عقب نشینی مسابنده
تا کنگی شده است. آزادی گروه قابل
توجهی از زندانیان سیاسی که پسرهای
از آن ها به حبس ابد محکوم شده بودند
(نظیر محمود بطحایی عضو گروه فلسطین)
شایعه رویه قوت آزادی بسیاری دیگر از
بقیه در صفحه ۲

جلال در نمود می کند که می خواند
کهوترا از جلیج راه پرواز را آورد .
روزی که تا آنج این سه خون
شریف ترین و حق چوتین فرزندان
این سرزمین آتش شده است زمین را زیر
پای خود لرزان می بیند و پسران سال ها
خود کلمی و کشتار و ترور وحشیانه و

در این شماره :

- ۱- رژیم عقب می نشیند ؟
- ۲- درباره اعتصاب
- ۳- روز شهیدان حزب و نهضت
- ۴- گل سرخی که همیشه مگوفان است
- ۵- شعری تا پز شریک از لصرخی
- ۶- خبرها

درباره اعتصاب پیشگفتار:

و ای. لنین :
اوج روز افزون اعتصاب و اعتراضها
کارگری و خبری ای بسیاری که از مبارزات
منفی و سیاسی طبقه کارگر ایران به طور
پراکنده و جسته و گریخته به گوش می رسد -
روزم با وحشت و شدت عمل می گوشت آن ها
را مکتوم نگه دارد - مرحله نوینی را در نبرد
اساسی خلق ما ربه ویژه طبقه کارگر
نویس می داند . اخبار شورانگیزی نظیر
جنبش خونین زاران کارگر کارخانجات
نساچی در شاهی و مقاومت دبیرانسه
آن ها در برابر یورش سگ ها و گرازهای
وحشی شاه و نبرد و مقاومت دبیرانسه
کارگران کارخانه چیت تهران که نخست
بهدردی قشر ای دیگری به ویژه
دانشجویان و سپهر نگاری مادی و مملو
آن ها را برانگیخت و دهه اعتصاب
پهروزند یا ناگانی که در ماه ای اخیر
جریان و چونگی آن ها در صفحات نهی
منعکس شد ، بی اختیار انسان را به یاد
مقدمه ای اندازد که لنین بر اعلامیه ای
که به مناسبت اعتصاب کارگران نساچی در
روسیه بخش شده نوشت :

۱۶ و ۱۷ نوامبر باید برای همه ما
روزهای فراموش نشدنی باشد . . . کارگران
نساچی با مقاومت سرسختانه خود در
بقیه در صفحه ۱۰

به مناسبت ۱۰ بهمن روز شهادت دکتر تقی ارانی

روز شهیدان حزب و نهضت

یا نهی باید ز آزاد یزدن خون سرو لاف
یا گره از بی بوی دردن نهی باید ترغبت

نیلان در زمان شاه حق مغوی به پایا
اولیه ، رزمندگان ایران ناموری ،
مجاهدان و فدائیان جنبش مشرولسه ،
استقلال الهان و آزادی خواهان
جنبش ای شمال در سال ۱۰ ای بیست
قرن بیستم و شهیدان استبداد رسا
شاه : عشقی ، فرخی ، ارانی جنبش
توده ای و صد تا شهید او ، شهیدان
جنبش آذربایجان و کردستان و شهیدان
سازمان نظامی حزب توده ایران در
ادوار مختلف آن (گنبد قابوس ، جریان
آذربایجان و کردستان ، جریان ملی کردن
صنایع نفت) و شهیدان جنبش باید اری
اخیر دوران ارتجاع سیاه محمدرضا
شاهی و سرروزیه ، و شهنشاه تیزابی ،
سرو کسری و پرریز حکمت . . .
درستی بسیار بسیار باقی از یک کارنامه
بسیار عظیم و پرافتخار از کارنامه
نبرد مردم ایران علیه غاصبان و تجارزرا
بیگانه علیه سامان و فئودال ها و
سرمایه داران مستعمر علیه مستبدان و
فاشیست ها و نئونازیست ها و چاکران
بقیه در صفحه ۶

این بیعتی است زیبارسخت صائب ازبیل
دوران صفوی و نائب تهریزی . آری ،
الهیبدن را بی آزادی مردم ، یعنی
اعلان جنگ آتکاره دشمنان نیرومندی
که بی شرمانه از خدمت شریک یزدی و قزاقی
مردم ، برای آراستن کاخ ها و سلامت
زندگی خود ، برای پایادان کردن سعادت
ایجاد کنندگان واقعی نعمات مادی و
معنوی و استفاده می کنند .
این دشمنان و اگرچه از لحاظ تمدن
اندکند و ولی با تکیه به ثروت و قدرت
دولتی ، جسمل و خرافه و بهیچ تسی
که : و در پیونده آند و نیروی عظیم در
اختیار دارند : نبرد با آنان نبرد پهلوان
است با اژدهایی هفت سره آتشکام
بی رحم و ستم و نبرد مقدس و عظیم
که تاریخ ایران از غلظه حماسه آمیز
آن مرشاراست : به آفرید و ابو صلح
سنگد ، استاد سپهر ، المصحح و سزدک
بهاک ، مازیار ، زندیان و اسدیلیمان و
قرمطیان و مرد آویز ، سریداران ، رکن
نقطویان و قیام کنندگان تهریز در زمان
شاه طبعاً مسیح روی و قیام کنندگان

رژیم عقب نشینی نشینند؟
 زندانیان سیاسی که به حبس این ولایتی و حتی ابد محکوم شده اند - در شرایطی که رژیم از دو سال پیش آزاد کردن زندانیانی که حتی مدت محکومیت آن اسرا طه بوده و ولایتی می گرد - کاوش فشار در مضامین چکمه یوشان و میفریب آبیامه در زندان دار نکند - گاه - اکتاش داشته شگفتی به نظر مورد بازداشت شده آن ، راضیافتن دوباره تروسی از نومندان ممنوع القاب به جرایم و در تناللات و مالیاتی که با وجود آهکی بودن عیالی نظایر آن ها از مدت ها پیش در نشریات دست آموز رژیم ناپس برده و شواهد دیگر - همه و همه از تغییراتی در روش رژیم و عقب نشینی ناگزیر آن حکایت می کنند . با چنین چشم اندازی پرسش اساسی که در برابر مبارزان قرار گرفته ، این است که این عقب نشینی ها تا چه حد واقعی و با محتوی است ؟ مضمون حقیقی آن چیست ؟ چه اهدافی را دنبال می کند ؟ از چه مسائل و عواملی نشأت می گیرد و تاثر و میزناهی آن تا کجا می تواند گسترده شود ؟ و تلفیه مبارزان در برابر این موج نوحاسته چگونه است ؟
 پاسخ به این پرسش ها مستلزم دریافت صحیحی از عوامل ایجاد کننده چنین وضعی است و در این گوشه باید در درجه نخست دو عامل اساسی داخلی و خارجی را در نظر بگیریم :

۱- عامل خارجی

روند جهانی در سال اینده با توجه انگار ناپدید بمرمت آموزی این حقیقت بنیادی را آشکار کرده است که برای رژیم های مفسد و فاسد و بد تلقی تنها زباله دان تاریخ است . چکمه یوشان و تداره بندان و دوشیمان و زندانیانان تلقی در غروب و در سیده هاند و نیوه و دلالان و نوکران امپریالیسم هیچ دورنمایی در برابر خود ندارند . این روندی است وقفه ناپذیر و بی بازگشت که امید برای رژیم های که زانده امپریالیسم و تقاله نژاد پرستی و استثمار و استبداد اند باقی نمی گذارد . تجربه بسیار گویای ویتنام ، لائوس و کامبوج ، هزارانیک شبهه سرهنگان یونان و رژیم تند بدهای که سالار در برتغال به ارشاد کرده بود ، فریختن امپراتوری فلج و گنگوید گوش اتیوپی ، از دست رفتن مستعمرات افریقایی برتغال و تولد طمت های رزمجویی در آنژولا و کینه بیساتو و موزامبیک ، زمین لرزه های سیاسی جهانی که میراث فرانکو را برایشان کرده است و ده ها شاهد و رویداد دیگر تنها در غارت دوسه سال از شتاب فراینده این روند جهانی - کایت می کند . در این عین رژی که با تکیه بر استبداد فردی در قرن و سالی در دوران بی رحمانه مطلقه و ثروت این یونان ناپدید آن در بازار ای سرمایه ، و رایجی نقش زانده امپریالیسم در مضامین بانقده جان و خون جوانان و ثروت ای های کشور و تورم و ارباب و گشت و گشتاری حساب دانی به حیات ننگین خود ادامه می دهند ، نمی تواند از ختمین نسیم و کوچک ترین طنینی که

در جهان به راه می افتد ، متوحش نشود . این طنین و نسیمی که باعث ومشت رژیم هاری از مبر شاه شامان شده ، اما هو تغییرات محسوس است که از چندی پیش در منطقه در شرف تکوین است . انتقال مرکز ثقل پایگاه امپریالیسم در منطقه از تهران به ریاض ، به دنبال تحولات انشیرخاوریامانه در این بررسی موضوع قابل تاملی است . عربستان سعودی به دنبال موقعیتی که به برکت دلارهای نفتی در سوق دادن رژیم مصر به سوی امپریالیسم جهانی به دست آورد و آنگاه پیروزی دیپلماتیک آن در پایان دادن به جنبه لبنان به نیروی نیروهای ملی و شرقی و سپس سرمت بخشیدن به گرایش سو ریه به سوی امریکا ، از موقعیت استراتژیک قابل توجهی برخوردار گردید . این حرکات از نفوذ مضمونی و بود قاطع دلارهای نفتی سعودی در جهت مقاصد امپریالیسم حکایت می کرد ، اما این پیروزی های نسبی با بازی خائشان رژیم سعودی با شورش درایک و عدم پذیرش تصمیمات جمعی آن در جهت افزایش قیمت نفت ، از یک سو شکافی سابقا ی درایک به وجود آورد و از سوی دیگر نفت ارضانی را که برای کنترل امریکایی نفت می توانست محل سود های سرشار جدید باشد در اختیار امریکا گذاشت . به این ترتیب که به کارتسل نفتی امریکا امکان دادها در دست داشتن انحصار نفت ارضان ترعربستان ، نفت مازاد بر احتیاج امریکا را در بازار های دیگر به فروش برساند و از این رهگذر سودهای کلان به جیب زند .

این تحول در منطقه با تغییرات کادر رهبری امریکا پیروزی جناح معتدل ترموکرات ها در انتخابات ایالات متحده مقارن بود . جناحی که در امریکا با آغاز ریاست جمهوری کارتر قدرت راه دست گرفت ، همایک جناح نفتی است یعنی جناحی که کارتل های نفت در آن از نفوذ معتدلی پی برخوردارند و تا از دینامیسم چرخش جهان به ویژه پس از جنگ ویتنام و غرور تروریستدن با واقمیت اوج گیری نیروهای چپ و متوقی در ارضای غربی و شرایط نوین جهان آگاه است و اسلوب معاصر و شیوه های انعطاف پذیرتر و نگاه واقع بینانه ای را در برابر این تحولات جستجو می کند . سخنان به ظاهر آتشین کارتر در دفاع از حقوق بشر و شیبت بشر و ملامت مضمی او از رژیم این که ایمن حقوق و امون را نقض می کنند و نیز اعلام آمادگی برای تحولات سلاح ای استراتژیک و محدودیت فروش اسلحه به رژیم های بی تکیه گاه و پا در عوا و موبد چنین بودا شتر است .

با این تفصیل می توان پذیرفت که انتقال مرکز ثقل سیاست امپریالیسم و سکوی جهان او از تهران به ریاض که باز نزدیکان عمده قوای ایران از طغران نخستین نتایج آشکار آن بود ، از پشتیبانی کارتر و جناح او برخوردار است . به این ترتیب رقابت و مصابقه ای که از سی پیش بین تهران و ریاض - به شاه دوژاندارم که در یک خلیج بقیه در صفحه ۳

به مناسبت سالگرد شهادت سروکسرخ و کرامت دانشیان

گل سرخی که همیشه شکوفان است

وقتی بجای نهال زندگی، سروکسرخ و کرامت دانشیان را از این درآورد، مردم به گل سرخ روی آوردند تا از اشتباه نام یاد این شهیدان آزاده و دلیران زنده نگاهدارند و هم به آن ستمگری که می‌خواست دیکتاتور ایران را به کوربوت بدل کند، خشم و نفرت خود را نشان دهند. مردم در ایمن منظر خود موفق شدند بجای نشان این شهیدان و کاربه جایی کشیده، سوارک به بزرگی که به شکلی گل سرخی باخود است، پاسو، زن می‌نگریست!

مکن به فدایین تصادفی در شاه نام روی ندهد. در واقع همچنین تصادفات استثنایی است. دانشیان که همراهِ گلسرخ به پای تیر اندام رفت و حکمت جو که چون تیزایی زور شکنجه شهید شد و آن ده تا صد ها فرزندان شایسته خلق که بی دریغ جان خود را در راه آرمان انقلابی خویش نثار کردند، نام نهایی "عادی" داشته‌اند. ولی مردم محرومت امکان و فرصتی یافته‌اند، احساس خود را درباره قهرمانان خلق با هر چه کردن یک شعر و یک ترانه و یک ناچ و هر آنچه که بتواند بیانگر این احساس انسانی باشد، هر روز داده‌اند. این سیاست خلق در برابر فرزندان قهرمان خویش در عین حال نشانه مقاومت و مبارزه است. و عین است که قهرمانان جدید را می‌پرورد. اثر آن زندگی گلسرخ و دانشیان حکمت جو تیزایی و ده تا صد ها نفر دیار از مبارزان راه خلق برپوشده است، گل سرخی که صفا و شرف و آزادی و نشانه مقاومت و مبارزه است، همیشه شکوفان است و زینسرا که خلق که زاینده شرف و آزادی و مقاومت و مبارزه است، جاویدان است.

رژیم شاه که برای حفظ سلسله نژاد و سرخس خویش گروه صیبن پرستان راه دادگاه نای فرمایشی ننهاد و از آن جا به زور شکنجه و یا به پای تیر اندام می‌کشاند، گاه "ظلم دادگاه پسند" هم برای اثبات "جرم متهمان" در اختیار دارد. شایسته می‌شود "زناه متهمان" خود متصرف می‌کنند که برای سرکوفت ساختن رژیم شاه، برای برچیدن بساط ظلم و استبداد به پا می‌آیند! ولی اتهام متوجه برای بودن افراد خانواده سلسله نژاد، داده به گروه گلسرخ و دانشیان وارد شد، از بیخ و بن بی پایه بود. سوارک بسا تمام تلاشی که کرد و دانستان نهایی با تمام "حیارتی" که به خرج داد، هیچ آدم نتوانستند کوچک ترین طعنه در لیلی برای اثبات این اتهام ارائه دهند. و دادگاه نهایی فرمایشی به صورت ذبیحه شب بازی مسزدهای درآید. با این همه گلسرخ و دانشیان محکوم به اعدام شدند و شربت شهادت

نوشیدند. چرا؟

فرمانروایان ستمگر، با وجود محدودیت فکری لطیفاتی خویش، این واقعیت را درک می‌کنند که اثر افکار انقلابی امکان نشود با شنیدن امکان تبدیل شدن به نیروی مادی و رانیز خواهند یافت و این همان خطری است که موجودیت آن‌ها را تهدید می‌داند. خواهند کرد. آن‌ها این واقعیت را هم درک می‌کنند که نمونه ای مقاومت ضد آگاهی و قهرمانی به مبارزان انقلابی به خلق پیکار جو نیروی مادی می‌دهد و این خطرناک بود و نظام استشاری را و ستمگران را تشدید خواهد کرد. دستگاه جاسوسی به پیگیری زندان شکنجه و تهدید می‌کند که رژیم شاه بر پا ساخته برای آن است که از نشر افکار انقلابی، از تهدید شدن افکار انقلابی به نیروی مادی جلوگیری کند و برای آن است که مطابق مقاومت و مبارزه مردم را باها وارد کردن به تسلیم و توبه و با پانای جسی می‌کردند و برای آن است که امید خلق را به پیروزی آزادی و عدالت با توفیق می‌دهد سازد.

گلسرخ و دانشیان به ندای خلق گوش فراد اند و عین خود را در خدمت خلق گذاشتند و هدیه های ستمگران آن‌ها را نپذیرفتند و شانه جلادان آن‌ها را از پای در نیارند و حکم اعدام انتقاد و اراده شان را سست نکرد. گلسرخ و دانشیان فردا گفته بود:

ما همین فردا
کاری خوایم کرد
کاری کارستان.

گلسرخ و دانشیان با این تارجان خود به راه خلق همیشه آرمان انقلابی خویش وفادار ماندند و کاری کردند کارستان! از نظر رژیم شد خلقی شاه چه جبری بالاتر از این ممکن است وجود داشته باشد؟

ولی فرمانروایان ستمگروقتی می‌خوانند با تهاجم و تهدید با نیروی زور و بازند ان شکنجه و تهدید "خطری" که موجودیت تنگین آن‌ها را تهدید می‌کند باز بین می‌روند و دیگر واقعا در چارچوب محدودیت فکری طبقاتی خود اسیرند. آن‌ها نمی‌توانند درک کنند که با زور و ستم و با داغ و درفش نمی‌توان از تکاپو تاریخ جلوگیری کرد. خلق اما با تن خونین از شکنجه ستمگران و با دل اند و رنگین از شهادت مرزبان و ولسی سرانجام به آزادی خود دست خواهند یافت. گل سرخی که بیس از شهادت گلسرخ و دانشیان بیانگر احساس مردم نسبت به این جنایت رژیم شاه شد و به یک این فرد ای آزاد بود.

هرای آن که درورشید آزادی چشمان ما را با نور رخشان خود زود تر روشن کند، پیش از هر چیز و قبل از هر چیز به یگانگی بقیدد صفحه ۵

اتحادیه ها و جمعیت های کارگری و حقوقی و ادبی و
دموکرات در کشورهای اروپایی اعلام آمادگی کردند که در
سال مبارزه جهانی علیه رژیم ایران فعالانه شرکت خواهند
کرد .

۲- عوامل داخلی

در حالی که عوامل خارجی در پیوند مستقیم با هم به يك
جریان نیرومند علیه رژیم شاه تبدیل شده و کاهش تولید
نفت - به دنبال خیانت مرستان چهارك - سالیان پیش
از ۷ میلیارد دلار از درآمد ایران کاهش می داد . با
توجه به این که سال گذشته ایران با در دست داشتن
در حدود ۲ میلیارد دلار درآمد نفتی با ۳ میلیارد دلار
کسری موازنه داشت و تأثیرات فوق العاده این کاهش
ناگهانی بر اقتصاد ناتوان و در حال تلاشی رژیم - که يك
اقتصاد متکی به نفت است - یعنی ۹۰ درصد آن بعد از
نفت تکیه دارد - قابل دریافت است . ۵۰۰ میلیون دلار
قرض با شرایط نامساعد از بانک های اروپایی که در چند
هفته پیش صورت گرفت و نتوانست حتی نقیصه قرضه
را برای رژیم بر شسته شاه بازی کند .

بدینسان ضعف مفرط اقتصادی و در تن ور شکستگی
سیاسی و اجتماعی رژیم و بی پایگانی او در میان مردم و از يك
سره و فشار عوامل خارجی ذکر شده از دیگر عوامل رژیم را
در موع بسیار حیثی قرار داد و او را ناگزیر به تن دادن به
اراهای عقب نشینی تا کرد .

تحولات یاد شده اخیر یادك ضرورت و احتیاج ناپذیر
بودن این عقب نشینی را انجام پذیرفت و یادشرف انجام
است .



رژیم می کوشد عقب نشینی خود را به عنوان يك تصرف
لامعراج از دیدگاه مردم مکتوم نگاه دارد . اما مستقیماً بنیادها
و پیشانی بودن چارچوب حکومتی و عدم تأمین و نگرانی
حقیقی که برجدار و کارگزارانش مستولی شده و این عقب نشینی
را به خروج وجه قابل رویتیشان رساند . البته خروج -
شتابزدنی در نتیجه میزان این عقب نشینی و چگونگی رست
رژیم پس از آن ، از سوی مبارزان در رژیم ممکن است به نتایج
غدار و در نتیجه ناچشم آویز بیجا باشد . همین امری نتوان
معتقد بود که رژیم تا این حد بی ریشه و پوسیده و هفتضیح
استی و رژیم عقب نشینی چندانی ندارد . با حفظ موازین و
بنیاد این جامعه و کهنه و ارتجاعی کمونی و عقب نشینی شاه و
اعوان و انصار او بی شک محدود و ناچیز است و بیشتر به يك
مانور می ماند و نمی تواند برای افراد و نیروهای متوقف زده
شود اثباتی باشد . رژیم می داند که عقب نشینی او را آن ممکن است
از گمراهی خارج شود و از صورت يك حادثه به صورت يك
روند درآید ، بنابراین به پیروی از خصلت کهنه بینی خود سعی
بقیه در صحنه

رژیم عقب می نشیند ؟

نگیند . جریان داشت در این مرحله به نفع مرستان
سعودی ، شامی و یمنی ، بر سواکی جدید با جبهه گرانمای
چاه های نفتی خود در صدر بر سر ایام ایلم یانکی نشست
برای سیاست جدید فام از رژیم چون رژیم شاه
جلاد ایران که در کلیه برنامه های اندکی و اجتماعی و سیاسی
و اقتصادی خود با شکست درین بستم کامل زور شده است و
فساد در رنج اشکال آن در تمام تصور و ذرات ابرسون کرده
و از دل کوچک ترین و بزرگترین افتاده ترین صنایع اجتماعی تا
ترافیک و تأمین نیروی کار و نذر و نشت مردم عاجز است
از نثار راز ملت برای اروپایان امریکایی که درگیر يك نبر
جهانی و دشوار مردم و زندگی اند روز غلطی ترس است
ترمی شود . اروپای امریکایی که نمی خواهند تپول پرحاصل و
صهی چون ایران را چون دیگر تپول هایش در آفریقا و
آسیا و دیگر نقاط جهان از دست بدهد و مایل نیست
که رژیم به با قساد و بی لیاقتی و سفاهی ای بی آینده خود و
هر چه بیشتر بپایگاه این برادر میان مردم از دست بدهد .
اربه ضرورت و عقیده بودن اقداماتی نظیر اصلاحات ششم
بهمن - که در زمان تصدی آندی و عمرت همین جناح
از دموکرات ها انجام گرفت - معتقد است . بنابراین
فشار بر شاه برای تبدیل فشار و انجام اصلاحات
محدود و بی فشار تا این درک است . و با زعم پاسخ کارتر
به رویای تبریک شاه به شاه میسر پیروزی او در انتهای است
و تقاض دوران ریاست جمهوری اش از طرف عقیده بین
تهران - و شاکتگر را آشکار می سازد . فراموش نکنیم که
سناتورهای دموکرات در کنفرانس امریکا ایران را از انضامی حقوقی
که از اسلحه امریکایی اشباع شده نامیده ماند و نسبت به
وجود چندین ده هزار امریکایی و انبارهای عظیم تسلیحات
امریکایی در چنین کشوری اظهار نگرانی نمود ماند . با این
مقدمه می توان قبول کرده در رقابت تهران - ریاض با
وجود جانب داری کارتل اسلحه از ایران ریاضی برنده شد .
اما این تپول با يك حادثه خارجی دیگر همراه بود و آن
بیرون وسیع سازمان های بر شیت جهانی علیه اختناق
در ایران و همیج نیروهای دموکرات و آزاد بخواد در غرب
سرمایه داری در جهت یاری رساندن به زندانیان سیاسی
ایران بود . در حالی که در این مبارزات سازمان عفو
بین الطلی که یکی از پانفون ترین سازمان های دموکراتیک
غرب است و بسیاری از شخصیت های سیاسی و ادبی و نری
و اجتماعی و حقوقی اروپایی در آن عضویت دارند ، یک رده
بود و دانشمندان ایرانی از آن از کهر و سازمان های
مخالف رژیم نیز تظلم باید این توافق رسیدند که سال
۱۹۷۷ را اختصار به مبارزه با رژیم شاه داند و بر
صحر این کوشش جهانی و اختلافات خود را موغنا صکوت
بگذارند . به دنبال این عوفیت بسیاری از سند یکا

به صاحب‌مسئله‌های کرامت و کرامت دانشیان

گل سرخی که همیشه شکوفان است

وقتی بنیاد نهال زندگی سر و کسری و کرامت دانشیان را از این درآورد، مردم به گل سرخ روی آوردند تا از آفتله نام نامی یاد این شهیدان آزاده و دلیران زنده نگاهدارند و هم به آن سنگری که می‌خواهد دلگزار ایران را به کوی ولایت بدل کند، خشم و نفرت خود را نشان دهند. مردم دریاسن مظهر خود موفق شدند به جلادان این نشانه را فحشیدند و کاریه جایی کشیدند ساواک به ترکس که به شکلی گل سرخی باخورد است و باسوی زبان می‌نگریست!

مکن به تو چنین تصادفی در تشابه نام روی نداده و واقع همچنین تصادفات استثنایی است. دانشیان که همرا گسرخ به پای تیر هدام رفت حکمت جو که چون تیزایی زهر شکنجه شهید شد و آن ده دما و صد ها فرزندان شایسته خلق که بی دریغ جان خود را در راه آرمان انقلابی خویش نثار کرده‌اند، نام نهایی "مادی" داشته‌اند. ولی مردم حقوق امکان و فرصتی یافته‌اند احساس خود را در باره قهرمانان خلق با هر چه کرده‌اند یک شعور و یک توانه و یک ناچار آنچه که بتواند بیانگر این احساس انسانی باشد و بروز داده‌اند. این سیاس خلق در برابر فرزندان قهرمان خویش در عین حال نشانه مقاومت و مبارزه است. و عین است که قهرمانان جدید دورا می‌پروند. از آن زندگی گسرخ و دانشیان حکمت جو تیزایی و ده ها و صد ها نفر دیگر از مبارزان راه خلق برپوشده است و گل سرخی که مظهر شرف و آزادی و نشانه مقاومت و مبارزه است و همیشه شکوفان است و زینسرا که خلق که زاینده شرف و آزادی و مقاومت و مبارزه است و جاویدان است.

رئیس شاه که برای حفظ سلسله تنوم و انرژنی خویش گروه گروهبین پرستان راه دادگاه نای فرمایشی ننشانی و از آن جا به زهر شکنجه و یا به پای تیر هدام می‌کشاند و گاه "طردک دادگاه پیند" هم برای اثبات "جرم" متهمان در اختیار دارد. "تأبیت" می‌شود "رناه متهمان" و "تواضع" می‌کنند که برای سرنگون ساختن رژیم شاه و برای برچیدن بساط ظلم و استبداد به پا استهاند! ولی اتهام متوجه برای بودن افراد خانواده سلسله است. "هده به گروه گسرخ و دانشیان وارد شد و از بوخ وین بی پایه بود. ساواک بسا تمام تلاشی که کرد و دادستان نهایی با تمام "تبارتی" که به خج داد داد بهین کدام نتوانستند کوچک ترین عذر را در لیلی برای اثبات این اتهام ارائه دهند. و دادگاه نهایی فرمایشی به صورت خبیله شب بازی مسزهای درآید. با این همه گسرخ و دانشیان محکوم به هدام شدند و شریک شهادت

نوشیدند. چرا؟

فرمانروایان سنگر و با وجود محدودیت فکری طبقاتی خویش این واقعیت را درک می‌کنند که اثر افکار انقلابی امکان نشر را با نند و امکان تبدیل شدن به نیروی مادی رانیز خواهند یافت و این همان خطری است که موجودیت آن مبارزین به خود خواهد کرد. آن‌ها این واقعیت را هم درک می‌کنند که نمونه ای مقاومت ضد افکاری و قهرمانی به مبارزان انقلابی به خلق پیکار جو نیروی مادی دهند و این خطرنا بودی نظام استثمارگر و مستکوران تشدید خواهد کرد. دستگاه جاسوسی و پیگیری زندان و شکنجه و هدامی که رژیم شاه بر پا ساخته برای آن است که از نشر افکار انقلابی و از تبدیل شدن افکار انقلابی به نیروی مادی جلوگیری کند و برای آن است که مظاهر مقاومت و مبارزه مردم را با باوار کردن به تسلیم و توبه و با بانا بودی جسمی در کند و برای آن است که امید خلق را به پیروزی آزادی و عدالت با تومیدی مبدل سازد.

گسرخ و دانشیان به ندای خلق گوش فراد اند و هنر خود را در خدمت خلق گذاشتند و هده های مستکوران آن‌ها را نرفت و شانه جلادان آن‌ها را از پای در نیار و حکم هدام و مقتاد و اراده شان راست نکرد. گسرخ و دشمر فردا گفته بود:

ما همین فردا
کاری خواهیم کرد
کاری کارستان.

گسرخ و دانشیان با این تارجان خود به راه خلق بهسه آرمان انقلابی خویش وفادار ماندند و کاری کردند کارستان! از نظر مردم شد خلقی شاه چه جری بالا توازین مکن است وجود داشته باشد؟

ولی فرمانروایان سنگر وقتی می‌خواهند با تاصیع و تبدیلید با نیرنگ و زور بازند ان و شکنجه و هدام "خطری" که موجودیت ننکین آن‌ها را تبدیلید می‌کند باز بین بیرونه دیگرواقعا در چارچوب محدودیت فکری طبقاتی خود اسیرند. آن‌ها نمی‌توانند درک کنند که با زروسیم و باداغ و درفش نمی‌توان ارتکامل تاریخ جلوگیری که خلق با با تین خونین از شکنجه مستکوران و بدل اند و نمکین از شهادت مرزبان و ولسی سرانجام به آزادی خود دست خواهند یافت. گل سرخی که بیس از شهادت گسرخ و دانشیان بیانگر احساس مردم نسبت به این جنایت رژیم شاه شد و بیک این فرد ای آزاد بود.

و برای آن که خورشید آزادی چشمان ما را با نور روشن کند و خود زود تروشن کند و همیشه از هر چیز و قبل از هر چیز به گانگی

بقیه در صفحه ۵

اتحادیه ها و جمعیت های کارگری و حقوقی و ادبی و
دموکرات در کشورهای اروپایی اعلام آمادگی کردند که در
سال مبارزه جهانی علیه رژیم ایران فعالانه شرکت خواهند
کرد.

۲- عوامل داخلی

در حالی که عوامل خارجی در پیوند مستقیم با هم به یک
جریان نیرومند علیه رژیم شاه تبدیل شده و کاهش تولید
نفت - به دنبال خیانت عربستان تهاویک - سالیانمایش
از ۷ میلیارد دلار از درآمد ایران کاهش می دهد. با
توجه به این که سال گذشته ایران با در دست داشتن
در حدود ۲۲ میلیارد دلار درآمد نفتی بازم سه میلیارد دلار
کسری موازنه داشت و تأثیرات فوق العاده این کاهش
ناگهانی بر اقتصاد ناتوان و در حال تلاشی رژیم - که یک
اقتصاد متکی به نفت است - یعنی ۹۰ درصد آن بعد از
نفت تکیه دارد - قابل دریافت است. ۵۰۰ میلیون دلار
قرض با شرایط نامعنا از بانک های اروپایی که در چند
هفته پیش صورت گرفت و نتوانست حتی نقض یک قرضه
را برای رژیم ورشکسته شاه بازی کند.

بدینسان ضعف مفرط اقتصادی و در متن ورشکستگی
سیاسی و اجتماعی رژیم و بی پایگانی او در میان مردم و از یک
سویه فشار عوامل خارجی نگرفته از دیگر سو رژیم را
در موضع بسیار حقیقی قرار داد و او را ناگزیر به تن دادن به
ارزای عقب نشینی تا کرد.

تحولات یاد شده اخیر یاد کرد ضرورت و احتیاج نا پذیر
بودن این عقب نشینی را انجام پذیرفت و یادشرف انجام
است.



رژیم می گوید عقب نشینی خود را به عنوان یک نصف
لاعلاج از دیدگاه مردم مکتوم نگاشته دارد. اما سستی بنیادها
و بیوشالی بودن چارچوب حکومتی و عدم اطمینان و نگرانی
عصی که برجدار و کارگزارانش مستولی شده و این عقب نشینی
را به هرج و مرج قابل رویش کشانده است. البته شروع -
شتابزدگی در تهیه میزان این عقب نشینی و چگونگی دست
رژیم پس از آن و از سوی مبارزان در رژیم ممکن است به نتایج
غدار و در نتیجه ناچهارم آمیز بیانجامد. همین قدر می توان
معتقد بود که رژیم تا این حد بی رویه و بیوسیده و مفتضح
و بی اعتبار عقب نشینی چندانی ندارد. با حفظ موازین و
بنیاد این جامعه و کهنه و ارتجاعی کمونی و عقب نشینی شاه و
لعوان و انصار او بی شک محدود و ناچیز است و بیشتر به یک
مانور می ماند و نمی تواند برای افراد و نیروهای متوق زده
شوق انگیز باشد. رژیم می داند که عقب نشینی او را نمی توان
از کنترل خارج شود و از صورت یک حادثه به صورت یک
روند درآید و بنابراین به پیروی از خصلت کهنه بینی خود سعی
بقیه در پیشگاه

رژیم عقب می نشیند؟
نگیند. جریان داشت در این مرحله به نفع عربستان
سعودی. تا تمهید برفتن سوئی جدید با جبهه گرانمای
چاه های نفتی خود در صدر بر سر ای امیرالهیسم بانگی
برای سیاست جدید و قان از رژیم چون رژیم شاه
جلال ایران که در کلیه برنامه های اجتماعی و سیاسی
و اقتصادی خود با شکست روبه روست کامل روبرو شده است و
فساد در همه اشکال آن در تمام نمود و ذرات ابرسون کرده
وازدل کوچک ترین و بیزیر یافته ترین سایل اجتماعی نمایر
ترافیک و تأمین نیروی کار و ساز و نوشت مردم عاجز است
از نثار رازدات برای ایرانیان امریکایی که درگیر یک نبر
جهانی و دشوار است و زندگی اند روز غاطس تورست
توی شود. اروپای امریکایی که نمی خواند تپول پر حاشل و
مهی چون ایران را چون دیگر تپول نمایر در آفریقا و
آسیا و دیگر نقاط جهان از دست بدهد و مایل نیست
که رژیم به با فساد روی لیاقتی و سفالی ای بی آینده خود
عزیزه بیشتر پایگاه این برادر میان مردم از دست بدهد.
از به نوبت و عقید بودن اقداماتی نظیر اصلاحات ششم
بهمن - که در زمان تصدی آندی و قدرت همین جناح
از دموکرات ها انجام گرفت - معتقد است. بنابراین
فشار بر شاه برای تبدیل فشارها و انجام اصلاحات
محدود و بی نظارت است. و با زعم پاسخ کارتر
به دوربین تبریک شاه به ضامین پیروزی او در انتخاب
و آغاز دوران ریاست جمهوری اینان تنه عقیده بیمن
تهران - واشنگتن را آشکاری سازد. فراموش نکنیم که
سناتورهای دموکرات در کنگره امریکا ایران را از انضامی حقوقی
که از اسلحه امریکایی اشباع شده نامید مانند و نسبت به
وجود چندین ده هزار امریکایی و انبارهای عظیم تسلیحات
امریکایی در چنین کشوری اظهار نگرانی نمود مانند. با این
مقدمه می توان قبول کرده در رقابت تهران - ریاض با
وجود جانبداری کارتر اسلحه از ایران ریاض برنده شد.
اما این تحول باید حادثه خارجی دیگر همراه بود و آن
بهرت وسیع سازمان های برحیثیت جهانی علیه اختناق
در ایران و بسیج نیروهای دموکرات و آزاد بخواد در غرب
سرمایه داری در جهت یاری رساندن به زندانیان سیاسی
ایران بود. در حالی که در این مبارزات سازمان عفو
بین الطلی که یکی از بانفوذترین سازمان های دموکراتیک
غرب است و بسیاری از شخصیت های سیاسی و ادبی و نری
و اجتماعی و حقوقی اروپایی در آن عضویت دارند باید در نظر
بود و دانشمندان ایرانی از این کشور سازمان های
مخالف رژیم نیز تولید می باید این توانش رسیدند که سال
۱۹۷۷ را از دست بدهد به مبارزه با رژیم شاه و تند و
صحر این کوشش جهانی و اختلاف بود را موقتا سکوت
بگذارند. به دنبال این عتقیست بسیاری از سند بکا

گل سرخی که...
آزادگان خرو است . چه زیباچه درست گفته است گل سرخی
که :

باید در هر صیدای البرز
نزد يك ترشوم
باید بگوشیم
اینان در استان زنگنه ماست .
در سالگرد شهادت خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان
و باید همه شهیدان راه آزادی همین هنریمان ایران هارو بگر
پیمان می بندد بیکه برای تحقق این یگانگی از همین کوشش در رخ
نهم .

رزم عقب می نشیند ؟
می کند با حزم و احتیاط گام به عقب بردارد و طوری گام بردارد
که با یافتن کمترین فرصت مناسب بتواند خیزشهای بزرگتری بسازد
جلو بنماید و عقب نشینی های خود را جبران کند .
اماحتی این برداشت مانع از آن نیست که نیروهای
طی و مشرقی در برابر رویدادهایی که در حال تکوین است ه بی
تفاوت و خشن باقی بمانند . با شناخت دقیق خصالت
دشمن و شکرهای او می توان عرصه عقب نشینی او را بیک
قدم پیشروی نیروهای مشرقی تبدیل کرد . مبارزه ما مبارزه
در نقطه جبهه ماست . از هر لحظه مغتنم در جاد شده
جزئی ه در عقب نشینی و حتی در مانور . حتی اگر ابعاد آن ناچیز
باشد - باید به فراخور مسود جست . عقب نشینی رزم
خشک اندیش و خند مردمی شاه در برابر نیروی فزاینده افکار
عمومی و مبارزات مردم و در تحت تاثیر تظاهرات روز افزون
و حقیق درونی و جهانی ه یک هارو بگر ضرورت اتحاد همه
نیروهای مردم رزم را در یک جبهه مشترک تصریح می کند . چنین
اتحادی می تواند ثمرات عقب نشینی های از این گونه را به
نفع مردم و نیروهای دموکراتیک هرچه بیشتر و وسیع تر
سازد و روند سرنگونی رژیم را تسریع نماید .

سپرد در راه تحقق برنامه حزب
تسوده ایران وظیفه هر ایرانی همین بر
است . حزب تود ه ایران ه اعضای حزب ه
کلیه طبقات ه قشرها و عناصر ملی و مشرقی
کشور و همه خلقهای ایران را فراخواند
که در زیر درفش این پرچم که تنها راه
تأمین آزادی و سعادت مردم ایران است
گرد آیند و مبارزه کنند .

☆ شمس نام ☆
از خسرو گل سرخی

بر سینه ات نشست
زخم صیق کاری دشمن
اما ،
ای سرو ایستاده نیافتادی
این رسم توست که ایستاده بگیری .

در تو توانه های خنجر و خون
در تو پیرندگان مهاجر
در تو سرود فتح
اینگونه چشم های تو روشن
ترکز نبوده است .
با خون تو ه
میدان تو خانه
در غم خلق
بیداری شود .
مردم
زان سوی تو خانه ه بدین سوی
سرریز می کنند
نان و گرسنگی ه
به تساوی تقسیم می شود
ای سرو ایستاده !
این رسم توست که می سازد .
دشمن دیواری کشد
این عابریان خوب و ستم بر
نام تو ه این عابریان زنده نمی دانند
و این در رخ دست ه اما
روزی که خلق بد اند
در قطره خون تو حراب می نمود .

این خلق ه
نام بزرگ ترا
در هر سرد میهنی این
آزادی د بند
نام تو بد چم ایران
خزیده نام تو زنده است .

روز شهیدان حزب ...
استعمار و نواستعمار و فقط برای آن که تصویری به دست آید

از این میان نتیجه نام را نباید فراموش کرد!

آن روز خوانند رسیدند اسم را ایرانی که به نام آرمان
مقدس استقلال و آزادی خلق به دست مستکبران و تجاوزگران
بمخاک و خون غدایده و یا آرزوی دارا آمده عزیزت شهیدان
و گویا شود همود ستایش مکانی قرار گیرد.

از این میان نتیجه نام را نباید فراموش کرد!

آن روز گفتند ولی آن خلق بزرگ است که سیاستمداران
خود مستکبران صدیقی خود باشند چه چیز از شهادت و ایثار
نقش در راه اثبات صداقت دارد بالا تر؟ چگونه می توان چنین
دوستان شایسته خلق را از یاد آورد؟ چرا؟



برای ما مارکسیست! شهادت به خاطر شهادت
مطرح نیست. در ترمین وسیله کوششانی گفته قبول مولوی ما
" مرغ مرگ اندیش " بودند می گفتند: " به یاد مرگ باش! "
ما مارکسیست های گوئیم: " به یاد زندگی باش! ". ما
شهادت را در آن سوی زندگی نمی جوئیم. می خواهیم همین
جا در همین عالم ایستاد بمانیم. چه خوش سرود اقبال
پاکستانی:

مقدم زنده دلان: واب پریشانی نیست

از همین خاک جهان در لوی سانه تن است.

ما زندگی را دوست داریم و برای آرامش و زیبا ساختن
می کوشیم. دشمن ما " زیبا کردن " نیست. دشمن ما مبارزه
موثر کردن است.

در ایران گمراه سازانی پیدا شدند که " شهادت " را
هدف غایی نبرد می دانند. شهادت به خاطر شهادت این
این سخن ناروایی است. فاین یک شمارویی آثار شومستی است
یک مارکسیست لینینیست برنگاه دور باشد با سر بلندی جهان
شود در راه خلق خود نشان می دهد و ولی فقط هرگاه
باشد. یک انقلابی واقعی تسلیم دشمن نمی شود و به پستی
خیانت تن در نمی دهد و مرگ را بزرنگی بزانو ترجیح می دهد
ولی با تمام توانی گویند که زنده بماند و مبارزه کند
زندگی و سر بلندی در مقابل مرگ شهادت است. کسانی
ایران (بسیاری از آن ها) دشمنان تئوری درست ضرورت نبرد
سیاسی و سازندگی سیاسی مشکلمان را " تئوری تا " نام
شهادت! گفتند " موتور در آن گویانی " باید و در راه جیمان
انگند تا " یخ سکوت " را بشکند! این تئوری تکرار
می شود و با آن که شاید آن در عمل به کرات ثابت شده و
انرژی ای بزرگ به بیش بر آن بر یاد رفته است.

انقلاب را یک کام جلو برد و در اول مدت مسیر آن را تسهیل کند.
تاریخ حزب ما سرشار از جانپا زی و جانپا زان است.
سویای تابناک دکتر تقی ارانی (که روز شهیدان به نام پاسی
اوست و نمونه کار او الهام بخش بوده ای غناست) ده ها و
صد ها قهرمان در صحنه ما پرورده است. آری رفیقان نیمه
راه هستند و خاقان هفت فطرتان و تسلیم جانان نیز
بوده اند و خواهند بود. آن ها چه جا هستند. با وجود
آن ها تاریخ جریان انقلابی موتور نمی شود. تکامل یک حزب
انقلابی بر فراز تشبیب و در دناک است. این یک واقعیت
سرسخت تاریخی است که مکتب توده های پرورنده قهرمانان
و قهرمانی است. مکتب نوع تازه ای از قهرمان - قهرمانی که
با حزب بداخل جهان بینی علمی باجانب انقلابی جهانی
پیونده سرشتی دارد و در چارچوب تاکتیک و استراتژی و در چار
چوب سازمان دنی و انضباط حزبی خود عمل می کند.

با آن که ما در این مسئله موضع علمی و آزموه خود را داریم
ولی از تنگ تاری و تصویر بی جا به دوریم. مانند در برابر
قهرمانان انبار نهضت توده های نهضت آذربایجان و کردستان
شهیدان برافتد سازمان نظامی حزب توده ایران سر تعظیم
فرود می آوریم و در مقابل باید اران دلیری که در سال های اخیر
- ولوا مواجیح نادرست - ولی با صد اقت بر نردید و توار
پهلوی و اریا با توان مردانه ایستادند و شهید شدند با سراز
توسین و اترام می کنیم. رفتار بسیاری از آن ها در سلامت و روزی
شکجه در داده نظامی در وقیال جوخه اند اد اوقدا
قهرمانانه بود. عابسی سر بلندی ه از ان خلق ای ما چنین
د تران و جوانان به حد افسانه آمیز د لا هری بیرون آمدند ولی
احساس توسین و اد ترا مانسبت به صد اقت و ایثار شهادت تأنها
حتی یک لحظه مانع جدی ترین انتقاد مانسبت به ره د اکسرد ن
تاکتیک و استراتژی لغینی مبارزه نیست در این جا مشکله
اصولی است و آن را با احساسات نمی توان حل کرد.

درس های تاریخ مهیب و خونین است. خاطره شهیدان
ما راه اتحاد و اتحاد عمل می خواند. نیروی حاکم مخالف ان
استبداد و استعماریم اندک نیست. اگر این نیروی باجای آن که
قدرت د تو گون کننده خود را می توان کردن یک پ گر کننده با
ضی درست سیاسی - سازمانی به دشمن خفیه شدن بسی
ایران بسی روزیم ثوفا میستی مد در شاه بناز و در شرایط
جهان امروز که با تفسیر صعق تناسلی و ناد عرضه جهانی
به سرد نیروی ای ملح و مؤکراسی بیشتر اقت اجتماعی و سیاسی
و خ به سود لق اد رت مییر است و روز پیروز راه مرا تب
تزد یک تر ساخت است.

درود پرشور به خاطره تابناک شهیدان قهرمان
حزب توده ایران و جنبش رشایی بخش ایران و در
پیشاپیش آنها دکتر تقی ارانی رهبر و حجت کشان ایران

خبرها

تازه‌ترین تو اینه رژیم علیه کارگران

تازه‌ترین دست‌یافت رژیم ضد کارگری شاه برای کارگران شریف ایران، پایمال کردن تمامی از حق مسلم آن‌ها در زمینه دریافت "سود ویژه" است. انجام این تصمیم کثیف به آزمون وزیر کار و جاسوس شناخته شد مساوات و آند ارشد و به صورت مصیبتی بوقانون سپید شدن کارگران در سود کارخانه جلو گرفته است. بر اساس مصوبات اخیر از این پس تنها کارگرانی در سود ویژه و واحد های صنعتی سپید می‌شوند که حد اقل یک سال تمام در آن واحد به کار مشغول باشند. اما نکته شریف این که رژیم ضد کارگری تصمیم گرفته است به نفع سرمایه داران حقوق و امتیازات کارگران را معدوم سازد و در اجرای این هدف منظور داشته است که به ازای "روز شیبت" موجه یا غیر موجه کارکنان از میزان سهم سود ویژه آن‌ها کاسته گردد. حتی معادل روز های که کارگر به مرخصی استحقاقی سالانه می‌رود از سهم سود آن سال او کم خواهد شد. این ارضای آزمون ساواکی و سرمایه داران چپالگری که او نماینده آن است مبنی است که سود ویژه به خاطر شرکت فعال کارگران در تولید به آن اختصاص می‌یابد. بنابراین در روزی که آن‌ها به مرخصی می‌روند و گرچه این غیبت موجه است و نقشی در تولید ندارند نمی‌توانند از ثمرات آن نیز بهره‌ای ببرند. نکته دیگری که در این برنامه شایسته توجه شده این است که میزان سود ویژه هر کارگر را نیز مشمول او تعیین می‌شود و کارگرانی که مسئولان آن‌ها نظارت و نظرسنجی نسبت به آن‌ها برآورد دارند و تنها از حد اقل سود برخوردار خواهند شد. قرارداد آن این رابطه شخصی به جای رابطه مشخص کارگر و این هدف غیر انسانی را دنبال می‌کند که با بهره سود ویژه کارگران را به کار هر چه بیشتر وادارند و نرخ بهره واقعی کار بهره‌گویی از کارگران را متحد مقدری بالا ببرند. ما ضمن اعتراض شدید به این تصمیمات ضد کارگری و ضد انسانی و استثمارگرانه توجه کارگران زحمتکش را به این حقیقت جلب می‌کنیم که تنها راه مقابله با رژیم فاسد و دروغگو و توطئه چین شاه و تشنگی دروازه‌های صنعتی سیاسی و حزبی و بهار و به یکدیگر راه سرنگونی آن است. تا وقتی این رژیم جلا و غارتگر وجود دارد و کارگران هر روز زخم تازه‌ای بر پیش زحمتکش خود احساس خواهند کرد.

رژیم در جهت کاهش سطح زندگی مردم اقدام می‌کند

اخیراً روزنامه "اخبار" ادعا کرده "دولت به تدریج خود را از واردات بسیاری از کالاها به ویژه مواد غذایی و سیمان و کنگر

می‌کند و این کار را به بخش خصوصی سپارده" (۱) زیرا "اداره وضع موجود وزارت کردن مواد غذایی مانند مرغ و تخم مرغ، بزرگ و سیمان و دیگر کالاها با پرداخت ماهه تفاوت قیمت های وارداتی و داخلی... به ویژه درین کاهش درآمد نفت... دیگر برای مدت طولانی ممکن نیست". (۲) و اما فکر نکنند که "دیگر... کمک دولت به صرف کنندگان... در برین نخواهد بود و کالا های وارداتی با احتساب قیمت تمام شده به اضافه محاسبه سود وارد کننده و فروشنده در اختیار صرف کنندگان قرار خواهد گرفت". (۳)

فهم واقعی این اقدام دولت آن است که از این پس توده های زحمتکش مردم باید پول بیشتری از دستبرد و حقیقی ناچیز خود برای خرید مواد اولیه غذایی و سایر کالاهای خود و خانواده خویش بپردازند. یعنی قیمت بسیاری از مواد غذایی بازنرم در مقیاس بی سابقه ای گران تر خواهد شد و با افزایش قیمت سیمان و سایر مصالح ساختمانی قیمت خانه و اجاره بها نیز سر به آسمان خواهد زد. و این در حالی است که مقامات دولتی می‌گویند دستمزدها را کاهش داده و حتی کفش و نمد و ملات این اقدامات ضد مردمی خود را هم کاهش درآمد نفت ذکر می‌کنند. رژیم که میلیاردها دلار درآمد نفتی ایران را صرف خرید جنده، ابزارهای مدرن تهاجمی می‌کند و به طوری که ایران را به زرادخانه سلاح های رنگارنگ وارد کشور های امپریالیستی تبدیل کرده است رژیم می‌کند که میلیاردها دلار از درآمد نفت را از طریق دادن وام و خرید سهام کمپانی های روه و شرکت امپریالیستی به منظور نجات آن‌ها به گاو صندوق انحصارات کشورهای امپریالیستی می‌ریزد رژیم که میلیاردها دلار از بودجه کشور را صرف عیاشی ها و خوش گذرانی ها و جشن و سرور های تکیه ای خود می‌کند و هنگامی که با مسائل حاد و حیاتی مردم روبرو می‌شود خود را کنار می‌کشد و می‌گوید بودجه نداریم و درآمد مان کم شده و خیره و در حالی که از نان شب مردم می‌زند به خرید سلاح و حیف و میل بودجه کشور ادامه می‌دهد. از سوی سیاست های ضد ملی و اسارت‌نار خود کشاوری ایران را دچار ورشکستگی بی سابقه ای کرده و غذا و مسکن مردم را به واردات از کشورهای دیگر به ویژه کشورهای امپریالیستی و در آن ایالات متحده آمریکا وابسته نوده و از سوی دیگر سالها خواهد آمد واردات را به بخش خصوصی یعنی بزرگ سرمایه داران غارتگر داخلی (و احياناً خارجی) و در رأس آن‌ها درباریان و وابستگان به آن‌ها بسیار تا جیب های گشاد و پر ناشنسی خود را پیش از پیش با غارت دستمزدها و زحمتکشان کشوره که بدون این نیز زندگی فلاکت بار و پریشانی دارند و پسر کنند.

تا این رژیم سراراست، بود، باروی، خوشی رانده و انفسه
دید. متعجبیم رژیم شد مردمی شاه را سرنگون کنیم!

۲۶۱ و ۳ - کمیته شماره ۱۰۰۷۸ نهم بهمن.

اعتصاب درد انشکاه صنعتی آریامهر

درد انشکاه صنعتی آریامهر روز دوشنبه ۲۹ آذر و
خورد شدیدی بین دانشجویان و پلیس آریامهر در گرفت.
ماجرا از این جا آغاز شده که دانشجویان به ادامه بازداشت
عدم ای از رفتای خود که در جریان تظاهرات روز ۱ آریامهر
پیش از آن دستگیر شده بودند اعتراض داشتند و به رئیس -
د انشکاه تاریخ ۲۹ آذر ماه فرصت دادند تا ترتیب آزاد شدن
آن ها را بدست دهد و تهدید کرد ندهد در صورت عدم توجه به خواست
شان دست به اعتصاب خواهند زد. اما رئیس دانشکاه
توجهی به درخواست دانشجویان نکرد و نتیجه دانشجویان
روز ۲۹ آذر اعتصاب کردند. اما اعتصاب آن ها با هجوم حشیا
پلیس روبرو شد. دانشجویان تا آریامهر دفاع از خود شدند. پلیس
تا آریامهری عدم ای از دانشجویان و حتی عدم ای از استادان را که
با دانشجویان طردی می کردند زخمی کردند. این رفتار
رد بیانه پلیس باعث شده در فردای آن روز (۳۰ آذرماه)
استادان دانشکاه نیز به اعتصاب پیوستند و به بی لیاقتی و سر
سپردگی رئیس دانشکاه و بدرفتاری با دانشجویان به شدت
اعتراض کردند.

اعتصاب کارگران کارخانه پارس الکتریک

کارگران کارخانه پارس الکتریک (جنب دانشکاه صنعتی
آریامهر) روز یکشنبه پنجم دی ماه اعتصاب کردند. کارگران
به فشار و تنگنای پلیسی حاکم مکنی دستمزد افزایش فزاینده
مزین زندگی و سلامت کار زیاد و طاققت فرسا اعتراض داشتند.
اعتصاب کارگران با تهاجم و حشیا پلیس و ماموران ساواک
روبرو شد و کاریه زد و زد کشید. شدت برخورد به حدی بود
که ساواک برای سرکوب کارگران از پلیس گارد دانشکاه
آریامهر نیز کمک گرفت.
دانشجویان دانشکاه صنعتی که خود در روزهای گذشته
با گارد دانشکاه برخورد می شدیدی داشتند، بی درنگ
متوجه عدم ضرورت دانشکاه می شوند و پس از پیگیری متوجه
می شوند که افراد آرد برای سرکوب کارگران دانشکاه را تسوگ
کرد مانده. این موضوع چشم دانشجویان را برمی انگیزد. آن ها
بانکه اعتراض خود را علیه وحشیگری های اعمال رژیم بلند می کنند
و من ابراز طرد و بی اعتمادی با کارگران اعتصابی خواستار قطع
فوری الت و تهاجم پلیس می شوند.

محیط ترور و خشمونت درد انشکاه

روز چهارشنبه اول دی ماه در کتابخانه دانشکاه فنی
دانشکاه تهران حادثه ای رخ می دهد که حاکی از شیوه های
جدید اعمال فشار فاشیستی بر دانشجویان میهن پرست و مبارز
دانشکاه ای ایران است. هنگامی که دانشجویان سرگرم
مطالعه بودند متوجه ورود چند ناشناس به سالن کتابخانه
می شوند. افراد ناشناس پس از ورود به سالن ناگهان از
زیر لباس های خود باتون ها را بیرون کشیده و به جان دانشجویان
می افتند و عدم ای از آن ها را زخمی کرده می روند. چند لحظه
بعد خبر حادثه در تمام دانشکاه می پیچد و موجی از خشم و
نفرت برمی انگیزد. چند صد نفر از دانشجویان به طور دسته
جمعی نزد رئیس دانشکاه می روند و از توضیح می خواهند و
چون رئیس دانشکاه اظهار بی اطلاعی می کند همگی به او برخاست
می کنند و خواستار استعفای او می شوند. سه روز بعد با حادثه
تکراری نمود. این بار عده بیشتری به دانشکاه شنی آمده و
به دانشجویان حمله می کنند و عدم ای از آن ها را ضروب می نمایند
افراد ناشناس که بی شک عمال ساواک آدمکش شاه بودند و
ضمن اعمال جنایتکارانه و عریه کشی های خود شمارمایی
از قبیل " مرگ بر مارکسیسم" و " مرگ بر اسلام" نیز می دادند.
چند روز بعد (سه شنبه ۷ دی ماه) در محل کتابخانه
انفجاری روی می دهد که باعث زخمی شدن عدم ای از دانشجویان
و مرگ کتابدار کتابخانه که یک دختر فوق لیسانس بوده و
می شود. در روزنامه های ساواک زده علت انفجار را ترکیدن
لوله های گاز قید می کنند اما دانشجویان دانشکاه عقیده
دارند که انفجار ناشی از بمبی بوده که ماموران ساواک به منظور
ایجاد محیط ترور و وحشت در کتابخانه کارگذاشته بودند.

اعتصاب دانشجویان طر سه عالی ورزش

روز شنبه ۱ دی ماه دانشجویان طر سه عالی ورزش
به عنوان اعتراض به وضع بد غذا و قطع کمک هزینه تحصیلی
اعتصاب می کنند و به طور دسته جمعی از محل خوابگاه به
خروج می کنند. حرکت می کنند. ضمن برامپایی شمار
ای حشقی رنگ سیاهی می گیرند و به ویژه شعار " سرنگون باد
حکومت استبدادی شاه" با طنینی هر چه رساتر از میان صفوف
دانشجویان به گوش می رسد. در جلوی دهکده المپیک
ماموران انتظامی راه را بر دانشجویان می بندند و زور و خورد
در می گیرند. در حین زد و خورد سرخنگ فریاده و نیر و های
انتظامی ضروب می شود. در همین زمان نیرو ای ژاندارمری
سرمی رسند و عدم ای از دانشجویان را مضمروب و عدم ای گری
را دستگیری نمایند. صبح روز بعد کلیه دانشجویان را همراه

با ارائه آن ۱۵ از خوابگاه بیرون می‌کنند و بعد به آنجا اعزام می‌کنند که همگروهی‌ها و دو دو باره از خوابگاه استفاده کند باید ۲۵۰ تومان بابت مسارات وارده به محل خوابگاه بپردازد.

حفاظتی پیرامون فعالیت‌های جاسوسی آمریکا در ایران

در جریان زلزله اخیر خراسان بسیاری از فعالیت‌های جاسوسی آمریکا در ایران برملا شد. پایگاه ژئوفیزیک تهران که می‌بایست زلزله‌های ایران پراشیت کند نتوانست زلزله خراسان پراشیت کند و اعلام شد که دستگاه‌های این پایگاه از کار افتاده است.

به دنبال اعلام این خبر برای آگاهی از شدت زلزله در سطح مقامات دولتی پیشنهاد شد که از پایگاه‌های ثبت تشعشعات اتمی شدت زلزله پرسیده شود اما با هشدار مقامات سطح بالا و ساواک سرکوتنه تماس با این پایگاه‌ها مخفی شد. در نتیجه گنجگویی تعدادی از دست‌اندرکاران که قبلاً می‌دانستند پایگاه‌های آمریکایی در ایران زسر نام ثبت تشعشعات اتمی فعالیت‌های دیگری دارند و فصدت‌کننده‌های این پایگاه‌ها صرفاً مخفی است برای جاسوسی و دستگاه‌های عظیم مخابراتی و جاسوسی آمریکا در این نقاط نصب شده‌است. از جمله این پایگاه‌ها که تعدادشان در حال حاضر در ایران ۷ پایگاه است می‌توان از پایگاه‌ها ساوه و پایگاه تهران که در خیابان ملاصدرا قرار دارند نام برد که کارشان کنترل جاسوسی اتحاد جماهیر شوروی است و تمام کارکنانش از وزارت دفاع و امنیت آمریکا به عنوان مأموریت در ایران به سر می‌برند و حقوق‌شان مستقیماً با چک از طرف وزارت دفاع آمریکا به ایران فرستاده می‌شود.

نمونه دیگری از اقدامات ضد کارگری روس

از روز شنبه دوم بهمن ساعات کار کارگران کارخانه ایران ناسیونال از هشت ساعت به نه ساعت و با همان دستمزدهای سابق افزایش یافت. اضافه کار نیز لغو گردید. در حال حاضر کارگران در دو شیفت از ۷ ساعت تا ۷ بعد از ظهر و از ۷ شب تا ۷ ساعت کار می‌کنند و صبحانه و نهار را نیز بیست دستگاه و درجه‌بندی انجام کار صرف می‌کنند. کارگران به این تصمیم ضد کارگری شدیداً اعتراض کردند و بیست و چهار نفر از آنان به خاور رفتن به سندیکا و طرح مسئله در آن‌جا به میزان دستمزد یک روز کسر جریحه شدند و مریضی مثلاً سان نیز لغو گردید.

اصلاحه کارگران

مسائل و مشکلات صنفی و سیاسی و طبقاتی است

تشدید فشار و اجحام کارگران

به دنبال تشدید فشار بر کارگران در واحد‌های صنعتی و در راه‌های اخیر تعدادی از کارگران و کارمندان بالا پیشگاه‌های تهران و آبادان را که در مبارزات صنفی و قانونی کارگران نقشی داشته‌اند و به عنوان کارگران آگاه شناخته شده‌اند از کار اجحام کرده‌اند و آن‌ها را در تیار کارگرتی قرار داده و بلا تکلیف گذاشته‌اند.

پیرامون خواست‌های کارکنان شرکت توانیر

قرار بر این بود که از آغاز سال جاری ده درصد به حقوق کارگران بکارمندان و مهندسان شرکت توانیر افزوده شود اما مسئولان شرکت از اجرای این توافق سر باز زدند و با این افزایش ناچیز حقوق موافقت نکردند. کارکنان شرکت چند بار نزد مقامات مسئول رفته و خواست خود را مطرح می‌نمایند اما پاسخ مساعدی نمی‌شنوند. سرانجام خواست‌های خود را در نامه‌ای که به آن‌ها اهداء می‌کنند به روزنامه می‌فرستند و مطرح می‌کنند اما حتی چاپ نامه در روزنامه نیز از سرخستگی مسئولان در مخالفت با افزایش حقوق کارکنان نمی‌گذرد.

در اوایل آذر ماه با وجودی که نمایندگان کارکنان ضمن مراجعه به مسئولان موضوع اضافه حقوق معوقه و قطع پنجشنبه کاری سایر مزایا را مطرح می‌کنند اما باز هم پاسخ مساعدی نمی‌شنوند. لذا چند روز بعد اطلاعیه‌ای از طرف کارکنان انتشار می‌یابد و در قسمت‌های مختلف نصب می‌شود که در آن ضمن برشمردن خواست‌های حقه کارکنان و مراجعات آنان و پاسخ‌های ضعیف مسئولان از روسا درخواست می‌کنند تا در روز هشتم دی ماه در چهاردهم شهریور یافته و در مورد علت مخالفت خود با خواست‌های آنان توضیح دهند. به دنبال انتشار اطلاعیه موارد ساواک و آرد انتظامی به تقابلی می‌افتند تا از رکنه اقدام جمعی احتمالی کارکنان جلوگیری کنند. در روز موجود کارکنان در تظاهراتی اجتماع می‌کنند اما هیچ یک از مسئولان حاضر در تظاهرات نمی‌شوند و حتی مأموران غذا و نیروی راه‌آورد کرده از ورود بیشتر کارکنان جلوگیری می‌کنند و آن‌ها را متفرق می‌نمایند.

اکنون کارکنان شرکت توانیر پی بردند که جنبه مبارزه یکپارچه و مشکل و اعمال فشار بر کارفرمایان نمی‌تواند به

در باره اعتصاب مقابل فشار کارفرمایان ثابت گردند که در این لحظات سخت هنوز هم مردمانی هستند که می توانند ضایع مشترك ما راه به ضایع مشترك طبقه کارز و زنده نگاهدارند که کارفرمایان محترم ما هنوز موفق نشده اند ما را برای همیشه تبدیل به بردگان بیچاره جیب های بی انتهای خودشان بکنند . پس رفقها بیاید با سرسوزنی و وزم راسخ به پا بایزیم و مبارزه را تا به آخر برسانیم و فراموش نکنیم که تقاضای این کوشش مشترك و یکپارچه مان است که می توانیم شرایط خود را به کرسی بنشانیم .

در واقع هر چه جنبش کارزونی بیشتر شود و با اهمیت واقع می شود محصور انبساطی برنده بیشتری آشکار شود و توده های بیشتر و بیشتر این شمار لنین را به طور محسوس خواهد نکرد . با سرسختی و وزم راسخ مبارزه را تا به آخر برسانیم . هر چه جنبش کارگری بیشتر شود کارگران اهمیت مبارزه صمصانه تر و مشکل تر و چشم انداز آرزویشان ترا به بیشتر و طموس تر محسوس خواهند کرد . در مرحله مبارزه و اعتصاب امیدمان که لنین در مقاله زیر نشان داده به ما این است: «وقت نیست ایقات نشان در جامعه و خصلت ایقا جامعه و تمام روینای سیاسی و قه ای آن می خواهد بود و اینا برای رورت مهم بالا بودن آگاهی سیاسی و ایقانی خود و استحکام تشکیلات و کوشش مبارزه رزواست از صنفی و سیاسی خود و نیز در راه انداختن جنبش انقلابی را به طور کلی بیشتر درک خواهند کرد .

جنبش کارزونی ایران بود تاکنون قدم های موثری در این راستا برداشته (مراج کردن تقاضا ای متعدد در مورد حقوق کردن و اراج بد بیان کارخانه ای و حتی در مورد کارخانه کفش طی و طی کردن کارخانه و مطرح کردن تقاضای لزوم بیمه ای اجتماعی برای کارگران و شفاف سازی ای که در اعتصاب کوره پزخانه باطل می شد همه نشان دادند این است که صالح آگاهی و مبارزه اقتصاری و لایحه کار از آگاهی صنفی خیلی فراتر رفته است و در سال های اخیر رشد چشمگیری داشته است و لاجرم بارش سرمایه دار و و نشان ای آن در آینده رشد بیشتری خواهد داشت .

مقاله زیر مانند بسیاری دیگر از مقالات لنین از این نظر اهمیت دارد که با تجزیه و تحلیل طموح روزش از پرسه های فولکولسی که باعث ایجاد اعتصابی شود و اثر آن بر آگاهی ایقانی کارگران و اهمیت و مرتبه اعتصابات در جنبش انقلابی طبقه کارگریک زمینه تشویق و تحلیلی برای تارو تولید در میان کارگران به دست می دهد .

* * *

در سال ای اخیر اعتصاب ای کارزونی در روسیه بی نهایت زیاد شده اند . در این تقییت مضائقه صنفی که در آن چندین اعتصاب روی داده باشد وجود ندارد . و در شهرهای مسکو

اعتصاب ها عیچگاه متوقف نمی شوند . بنا بر این روشن است که کارگران آگاه و سوسیالیست ما باید بیشتر و بیشتر توجه خود را به مسئله اهمیت اعتصاب ها در روشن دیدن کردن آن ها و وثائق سوسیالیست های که در آن شرکت می کنند معطوف دارند .

درست ما این است که برخی از عقاید و نظریات مان را در این باره به طور خلاصه بیان کنیم . در مقاله اول در نظر داریم که به اورگی اهمیت اعتصاب ما را در جنبش کارگری بررسی کنیم و در بخش دوم مسئله قوانین اعتصاب روسیه را مطالعه خواهیم کرد و در بخش سوم به روش هایی که اعتصاب ها در روسیه هدایت شده می شوند و طرز برخوردی که یک کارگر آگاه باید به آن داشته باشد خواهیم پرداخت .

- ۱ -

نخست باید توضیحی در مورد پیدا این و گسترش اعتصاب ها پیدا کنیم . هر کس که اعتصاب های را به از تجزیه است شخصی خود و چه از گزارش های دیگران و یا روزنامه ها به خاطر بیابرد می درنگ متوجه می شود که چرا که کارخانه ای بزرگ برپا شده و بر شماره شان افزوده می شوند اعتصاب های رخ داده و گسترش می یابد . به ندرت ممکن است که حتی یک کارخانه بزرگ را میان کارخانه ای که صد ها بود برخی موارد (زاد) کارگر دارند پیدا کرد که در آن اعتصابی روی نداده باشد . زمانی که تعداد کارخانه ای بزرگ در روسیه کم بود تعداد اعتصاب انبیز کم بود ولی از زمانی که کارخانه ای بزرگ چه در محلات صنعتی می بود چه در شهرها و آبادی جدید رویه از یاد گذشته است تعداد اعتصاب ها هم زیاد تر شد .

به چه علت تولید یک کارخانه بزرگ همیشه ضرر به اعتصاب می شود؟ به این علت که سرمایه داری ناچار باید به مبارزه کارگران علیه کارفرمایان مجبور شود و وقت تولید بصورت عمده است این مبارزه به ناچار شکل اعتصاب به خود می گیرد . این را توضیح می دهیم:

سرمایه داری نام آن نظام اجتماعی است که در آن زمین کارخانه ها و وسایل و غیره ... مطلق به تمدن کنی از ملاکین سرمایه داران است و در حالی که توده مردم به اصطلاح از دست ماسقط هستند و با دارای مایطک بسیار خوبی باشند و مجبورند خود را به صورت کارگر گرایه بدهند .

ما با زمین ها و کارخانه ها کارگران را گرایه می کنند و آن را به ساتن اجتناب تلف و از چه نوع فرقی نمی کشید و واقعی دارند : اجناسی که همه آن اراد را بازاره فروش میرسد .

* یاد آوری شویم که تنها مقاله اول (یا بخش اول مقاله) که بیشتر جنبه عام دارد در این جا منتشر شده است بنویسید .

در باره اجتناب از سرمایه‌های بی‌ارزش و سرمایه‌های کم‌بهره به علاوه مزدی که سرمایه‌ها بابت کارخانه‌ها به کارگران می‌دهند به قدری است که تمام ابرار ادانه یک زندگانی بخیر و تنبلی سرای خودشان و خانواده‌ها را از کیفیت می‌کنند. در صورتی که آنچه که کارگران مازاد بر این حد تولید می‌کنند به صورت سود به جیب کارخانه در سرازیری می‌شود. بنابراین در تمام سرمایه‌های داری و توده مردم کارگران مزدور دیگران هستند و آن‌ها برای خودشان کار نمی‌کنند بلکه به کار دستمزد و برای کارفرما کار می‌کنند. همین به معنی است که کارفرمایان همیشه کوشش در کم کردن دستمزد دارند و هر چه به کارگران کسر می‌کنند سود خودشان بیشتر است. کارگران سعی می‌کنند که بیشترین دستمزد ممکن را به دست بیاورند تا بتوانند برای خانواده‌شان غذای کافی و سالم تهیه کنند و در آن‌ها ای خوب زندگی کنند و بقیه مردم لباس بپوشند نه مانند گدایان. بنابراین دائماً همکوشی بین کارگران و کارفرما بوسه دستمزد جریان دارد کارفرما آزاد است و کارگری را کسی به نظرش مناسب تو بیاید اجبوری کند و بنابراین دنبال ارزان‌ترین کارگری رود. کارگر هم در انتخاب کارفرمایان خود آزاد است و بنابراین دنبال ارزان‌ترین کسی می‌گردد و یعنی آن کسی که بیشترین مزد را بپردازد یک کارگری در هر کارخانه چه در راه دور چه در راه ملاک گرامی مدو چه به یک دکان نزدیک و یا یک قطعه کارو یا صاحب کارخانه و همیشه با یک ارزنا طرف است و با او بوسه دستمزد در عداد دارد.

ولی آیا برای یک کارزن تنها اطمینان دارد که به تنهایی مبارزه کند و تعداد افراد کارگری از زیاد است و در همان در حال حاضر در دستمزد و از دهه سوی شهر و کارخانه‌ها نگرانی می‌کنند. ملاکین و سرمایه‌ها کارخانه‌ها در حال به کار انداختن ماشین‌آلاتی هستند که کارگران را از شغل‌هایشان محروم می‌سازد. در شهرها تعداد روزافزونی بیکار در دهات بیش از پیش پیدا می‌شود و آن‌ها که گرسنه هستند باعث تقلیل بیشتر و بیشتر دستمزد می‌شوند. بسیاری بیکار گردیدند و در غیر ممکن می‌شود که به تنهایی با کارفرما مبارزه کنند. اگر کارگران نتوانند دستمزد مناسبی بگیرند و یا به کم کردن دستمزد آنها را اجابت ندهند و اگر نتوانند از خواست بگریزند! و اضافه خواهند کرد که مردم در تعداد زیادی مردم گرسنه وجود دارند که با خوشحالی حاضرند با دستمزد کم کار کنند.

وقتی مردم تا آن حد بیچاره شده باشند که همیشه تعداد زیادی بیکار در شهرها و در دهات وجود داشته باشد و جایی که سرمایه‌ها کارخانه‌ها ثروتی ای کندن نمی‌توانند می‌کنند و خرده مالکین توسط بیکاری از میدان به دور می‌شوند و یا کارمندان در مقابل سرمایه داره ملاکین و سرمایه‌ها قدرت است. آن وقت برای سرمایه دار ممکن می‌شود که کارگر را به گلی خورد کند و از او زن و فرزندش هم به همچنین تا حد مرگ کار کرده و از یکسند. مثلا کارگرانی به مشاغل بیابان از هم

که در آن‌ها کارگران موفق به جلب حمایت تانین از خودشان نشد مانند و نمی‌توانند در مقابل سرمایه داران مقاومت کنند عدت کاروانه بی‌حساب و بیش از حد طولانی را که گاهی اوقات سر به ۱۹-۱۷ ساعت می‌زند و در تمام دید و کودکان هفت ساله را در اختیار می‌گیرد که شمار کارشان بیشتر از حد طاقت‌شان است و یک نسل از کارگران با آنها ترسناک و امیدوارند که به تدریج از گرسنگی می‌میرند و مثلا کارگرانی که در خانه خودشان برای سرمایه داران کار می‌کنند. به علاوه هر کارگر می‌تواند تعداد زیادی از این مثال‌ها را به خاطر بی‌پروا حتی در رژیم نازی برده داری و نفوذ الهی هم هیچگاه ستم‌پذیری زحمتکشان به دستنوازی ستم دیدگی کارگران در رژیم‌های سرمایه داری نبود ماست. آنگاه که کارگران نتوانند از خود مقاومت نشان دهند و از حمایت قوانینی که اعمال خود سرانه کارفرمایان را محدود کند برخوردار شوند.

بنابراین کارگران برای این که این حد ارشدن خود را تا حدی جلوگیری کنند مبارزه نمیدانند و آغاز می‌کنند. از آن جا که می‌بینند که هر که امتنان به تنهایی در مقابل سرمایه‌ها کاملاً بی‌قدرت هستند و ستم سرمایه تهدید به نابودی می‌کند و شروع به طغیان دسته جمعی در مقابل کارفرمایان می‌کنند. البته ایات کارگری آغاز می‌شود. در ابتدا کارگران غالباً نمی‌دانند که چه می‌خواهند و چون به هدف‌های اعمال خودشان آگاهی ندارند. تنها ماشین‌ها را خرد می‌کنند یا کارخانه را خراب می‌کنند. فقط می‌خواهند خشم خود را به صاحب کارخانه نشان دهند و نیروی دستجمعی خود را امتحان می‌کنند تا بگویند می‌توانند از یک وضعیت غیرقابل تحمل خارج شوند و بدون این که هنوز بفهمند چرا موقعیتشان این قدر نومیدانه است و برای چه چیزی باید تلاش کنند. در تمام کشورها خشم کارگران در آغاز شکل طفیسان‌های منفرد به خود گرفت. سپس کارخانه‌ها در راهی روسیه به آن‌ها "شورش" می‌گویند. در تمام کشورها این طغیان‌ها منفرد از یک طرف به انتصاب‌های کم و بیش صلح آمیز از طرف دیگر به یک مبارزه همه جانبه طبقه کارگر برای آزادی خودشان منجر شده است.

اهمیت انتصاب‌ها (یا وقت در کار) برای مبارزه طبقه کارگر چیست؟ برای این که به این پرسش پاسخ بدیم باید نخست تصور کامل‌تری از انتصاب داشته باشیم. مزد کارگران همان بزرگ‌ترین و توسط قراردادی بین کارگر و کارفرما تعیین می‌شود و اکثر تحت شرایطی کار می‌کنند که کاملاً بی‌قدرت باشد و واضح است که کارگران باید برای خواست‌هایشان به طور دسته جمعی مبارزه کنند و برای جلوگیری از این که کارفرما مزد را پایین بیاورد و یا برای به دست آوردن مزد بیشتر مجبورند انتصاب‌هایی را سازمان دهند. این یک واقعیت است که در هر کشور سرمایه داری انتصابات کارگری وجود دارد. همه

دربار امتصاب

جاء در تمام کشور این اروپایی و در آمریکا و کارگران وقتی که متحد نیستند و در این احساس می کنند و فقط به صورت دسته جمعی می توانند در مقابل کارفرما مقاومت کنند و یا با امتصاب کردن رها بمانند و به امتصاب با تمام سرمایه داران و باز شدن تازه انداز بزرگ و ولع بد روز افزون سرمایه داران کوچک و متوسط سرمایه داران بزرگ و نیاز به مقاومت دسته جمعی کارگران بیشتر و بیشتر می شود و تراک بیگاری زیاده می شود و رقابت سرمایه داران و ده سنی می کنند اجناس را در راه نازل ترین قیمت تولید کنند و بیشتر می شود (که به این منظور می باید به کارگران دستزد توجه بیشتری بدند) و نوسانات صنعتی محسوس تر و بیگران با طمب تری شود . وقتی صنعت شروعان است و کارخانه داران سودهای کلان می برد ولی اینها به فکر شریک کردن کارگران در سود نمی افتند . ولی با بیز آن بدین بهر از سنی می کنند که سود را به گردن کارگران ببینانند . در واقع اروپایی لزوم اعضاها در جامعه سرمایه داری تا این حد توسط ترکیبی شده که قوانین این کشور تشکیل اعضاها را منع نمی کنند . فقط در روسیه است که قوانین و شیوه نامه امتصابات هنوز اعمال می شوند (در فرصت دیگری از این قوانین و موارد احتمال آن سخن خواهیم گفت) .

در صورت امتصابات انشائی از خود طبیعت جامعه سرمایه داری انداز آغاز مبارزه البته کارگر بر بد این نظام اجتماعی بیخوردند و روز بروز سرمایه داران نوزعتند با کارگران منفردی نیز می توانی بود کی به این کارگران و ولی وقتی این کارگران نیز با هم متحد شدند از این تغییر میزند هیچ شوقی در دنیا به درد سرمایه دار نمی خورد مگر این که او بتواند کارگرانی پیدا کند که حاضر باشند نیروی کار خود را بر روی وسایل و عواملی که خدایان به سرمایه دار است صرف کنند و ثروت تازه ای تولید نمایند . وقتی که کارگران ناچارند به طور انفرادی با سرمایه داران معامله کنند همان بودگان واقعی باقی نمانده و می برونند برای به دست آوردن یک قهرمان تا هم به دیگران خدمت برسانند و که باید تا به خود متکاران گراینده زبان بسته ای باقی بمانند . ولی وقتی کارگران تقاضای در راه صورت دسته جمعی بیان کنند و حاضر به تسلیم شدن در برابر نوزعت نشوند و بزرگی آن را به سر می آید و تبدیل به انسان می شوند و شروع می کنند به در خواست این که زمین آن را نباید تقابل در دست شریعت کردن چند تن بزرگ باشد و باید باید آن ایوان را که زده است می کشند قادر سازند بشر انسان ای راتین زندگی کنند کارگر شروع به پیش کشیدن تقاضای آشنای می کنند . تقاضای این که زندگی آن را بایدند آن آزاده سرمایه داران و مگر این برای آن در نظر گرفته اند و باید آن آزاده خودشان می خواست باشد . بنابراین اعضاها به چشمه سرمایه داران را ملو از

توس می کند . چون که امتصاب کارگران بین رفتن سروری آن است یک سرود کارگری آلمانی در مورد اینها کار و چنین می نویسد : تمام چرخ ها از چرخش بازی ایستند و اگر با زوان نیرومند شما آنرا اراده کند . واقعیت هم همین است : کارخانه دسا و زمین های ملاکین و ماشین ها و خطوط راه آهن و غیره و غیره همه مانند چرخ های بزرگ ماشین عظیم هستند . ماشینی که ماده تلفی را استخراج می کند و عطفی آورد و تحویل مقصد میسان می دهد . تمام این ماشین اتومبیل کارگر می کنند . کارگری که زمین را شخم می زند و سفت می کند ای معدن را استخراج می کند و کالا تولید می کند و خانه و کارگاه و راه آهن می سازد . وقتی کارگران از کار کردن احتیاج کنند و کارگران ایستادن تمام ماشین می رود . هر امتصابی به یاد سرمایه دار می اندازد که کارگران و نه آن ها آقایان واقعی هستند کارگران که دارند حقوق خود را با صدای خود بلند تر از آن می دارند و مطالبه می کنند . هر امتصاب به کارگران یادآوری می کند که موقعیت شان نومیدانه نیست و آنان تم نمیستند . ببینید امتصابات : هم بروی خود امتصاب کنندگان و هم بروی کارگران کارخانه او و اینها در محول و چون و چرا خانه او همان رشته صنعتی به تاثیر شرفی دارد . در اوقات صبح و صبح آمیز کارگر بدین غرولند کارش را می کند و با کارفرما چیزی صحبت نمی کند و در مورد شرایط کارش نمی پندارد . در موقع امتصاب او در است ای در در با صدای بلند اعلام می کند و تمام سوء استفاده را به کارفرما خاطر نشان می سازد و طبق حقوق خود می شود و او دیگر فقط کار خود را می برد و خودش نیست بلکه در فکر تمام کارکنان است که همراه با او مبارز می بین گذشته اند و بدین توس از زمین محرومی و به خاطر آرزوهای کارگریه با خواستند . هر امتصاب مترادف با محرومیت های زیادی برای توده زحمتکشان است و محرومیت های و مشتتگی که فقط با بدبختی های دوران جنگ قابل مقایسه هستند . خانواده ای گرسنه و از دست دادن دستمزدها و مطالبه توقیف را خواست از شهر که خاصه کارشان است . علی رغم همه اینها و بدین تغییرات تغییرات بیشتر و بیشتر در دوران در منابع و اهمیت شان برای کارگران خواهد بود . در این جا صرفا خاطر نشان می کنیم که در ای سال های اخیر امور صنعتی در روسیه خوب پیشرفتند . منابع در حال " ترقی " بوده اند . لیکن اکنون (در پایان سال ۱۸۵۹) دیگر نشانه روشنی وجود دارد این " ترقی " به بحران خواهد انجامید : دشواری ای که در بازارهای کالا دیده می شود و روشنگرانی کارخانه داران خانه های مسکن کارگران خرد و یاه و ویژگی سببهای برای کارگران (بیگاری و این دستزد ها و غیره) .

و غیره) .

درباره اعتصاب تمام این رنج های کارگران به آنهایی که همکاران و در ارتقاء می کنند تا با کارفرمایان قرارداد ببندند باید به حقارت صبر کرد. علی رغم آن این رنج هایی که با اعتصاب همراه است کارگران کارخانه های مجاور مشاهده این که رفتارشان در مبارزه درگیرند مانند شهادت نویسی میدانی کنند. " مردانی که برای خم کردن پشت یک بوزنوا این قدر تاب می آورند قادر خواهند بود که قدرت تمام بوزنوا را در خم بشکنند. ۳۰ این گفته یکی از آموزگاران بزرگ سوسیالیسم و انگلس در مورد اعتصاب های کارگران انگلیسی است. غالباً کافی است که کارخانه اعتصاب کند تا این که اعتصاب فوراً در تمام زیادی کارخانه شروع شود. چقدر اعتصاب تا بروحیه کارگران تاثیر میگذارد و چه طور آن کارگرانی را که می بینند رفتارشان چگونه دیگر سرد و نیستند و فعلاً اگر برای مدتی هم که شده به اشتراک میزنند برابر شده اند و عناصر می سازد. در اعتصابی اندیشه سوسیالیسم را به شدت در ذهن کارگران رسوخ می دهد. اندیشه مبارزه تمام باقیه کارگرهای آزادی از دست سرمایه. غالباً اتفاق افتاد است که کارگران یک کارخانه میباید بخش از صنعت و یک شهر قبل از وقوع یک اعتصاب بزرگ تقریباً هیچ چیز در ساره سوسیالیسم نمی دانستند و حتی به قدرت در مورد آن فکر کرده بودند و ولی پس از اعتصاب آرزو ها و دسته های مخالفه قبلی در میان آن ها مرسوم شده و گنداد بیشتر و بیشتری از کارگران به سوسیالیسم روی آورده اند.

اعتصاب به کارگران می آموزد که بفهمند که قدرت کارفرمایان و قدرت کارگران در چه نسبت است. به آن ها می آموزد که فقط درباره کارفرمایان خودشان و یلا کارگران همکار خود نشان فکری نکنند و بلکه تمام کارفرمایان تمام طبقه سرمایه دار و تمام طبقه کارگر را در نظر بگیرند. وقتی که یک کارخانه در کمزاری شرم چندین نسل از کارگران سلیبیون تا انباشت کرده است از انباشت کردن یک مبلغ جزئی بودستند تا امتناع می ورزد و یا حتی کوشش می کند که مزد را به یک سطح باز هم کمتری تنزل دهد و اگر کارگران مقاومت نشان دهند هزاران خانواده مگر سینه را به زمین می ریزد و هر کارگران روشن می شود که طبقه سرمایه دار در کل دشمن کل طبقه کارگران و کارگران تنها می تواند روی خودشان و عمل متحدشان حساب کنند.

غالباً اتفاق می افتد که کارخانه داران حد اکثر سعی خود را می کنند که خود را خیرخواه نشان دهند و کارگران را فریب دهند و بهره کشی خود را با وعده های دروغین و خنده رشوه دادن پنهان کنند. اعتصاب خواره با نشان دادن این که " خیرخواه " آن کارگران در برابر همین است این فریب را با یک شرمیت نابود می کند.

به علاوه اعتصاب چشم کارگران بر آنه فقرا به ماهیت سرمایه داران بلکه به ماهیت دولت و قوانین نیز باز می کند. همان طور که کارخانه داران سعی می کنند که خود را خیرخواه

نشان دهند و ماهیون دولت و وزیران آن ها هم کوشش می کنند که کارگران اطمینان دهند که تزار دولت تزاری همان طوری که عدالت اقتضا می کند همان قدر در فکر کارفرمایان هستند که کارگران. کارگر درباره قوانین چیزی نمی دانند و به دولت ماهیون دولت هم که خاص ندارد به خصوص با آنهایی که پست های بالاتری دارند و در نتیجه لطمه آن ها را بهاری می کند. بعد اعتصاب پیش می آید. در استان گل و

بازرسی کارخانه هایس و قالبا نیروهای ارتقا در مجلسی کارخانه ظاهر می شوند. کارگران در می یابند که قانون را شکستفاند: کارفرمایان قانوناً مجازند که در هم جمع شوند و علناً در مورد راه های پائین آوردن دستمزدهای کارگران بحث کنند ولی کارگران اگر به یک موافقت مشرق برسند جنایتکار محسوب می شوند اگر کارگران از خانه هایشان بیرون انداخته می شوند و سپس دکان هایی را که کارگران می توانند از آن ها جنس تهیه بخرند می بندد و حتی وقتی که رفتار کارگران کاملاً صلح آمیز است کوشش به عطف می آید که سرمایه داران را بر ضد کارگران تحریک کنند. حتی به سرمایه داران دستور داده می شود که به کارگران شلیک کنند و همان وقتی که آن ها بسا تیراندازی از پشت به کارگران در حال فرار کارگران بدون اسلحه را می کشند مخوف تزار مراتب قدرتی خود را به نیروهای نظامی می فرستد به همین توتیب تزار از نیروهای نظامی که کارگران در حال اعتصاب را در اوسلاط در سال ۱۸۶۵ کشته بودند تشکر کرد) یکم کم بر بر کارگری روشن می شود که دولت تزاری بدترین دشمن آن ها است. چرا که از سرمایه داران دفاع می کند و دست های کارگران را می بندد. کارگران شروع می کنند به فهمیدن این کسه قوانین فقط برای ضایع شروندن ساختن شده است که ماهیون دولت از این ضایع محافظت می کنند و که همان توده کارگر را بسته و به او اجازه نمی دهند که احتیاجات خود را اعلام کند و که طبقه کارگر باید برای خودش حسنی اعتصاب کردن حق چاپ روزنامه کارگری و حق شرکت در مجمع ملی را که قوانین را تصویب می کند و بر اجرای آن نظارت می کند به دست می آورد. دولت خودش به خوبی می داند که اعتصاب چشم کارگران را باز می کند و به همین دلیل این چنین از اعتصاب می ترسد و برای این که اعتصاب هر چه زودتر تمام شود موصول به همکاری می شود. بی دلیل نبود که یکی از وزرای داخلی آلمان که بدنامی در پیگرد صنعت سوسیالیست ها و کارگران آگاه شهرت یافته بود در مقابل نمایندگان طاعتا اظهار داشت: " در پشت امر اعتصاب از دای انتداب خواهیید است. " در اعتصابی این حقیقت را در کارگران تقویت می کند و تکامل می بخشد که دولت دشمن آن ها است و باید که کارگر باید خود را برای مبارزه علیه دولت و برای حقوق مردم آماده کند. بنابراین اعتصاب ها به

در باره انتخاب کارگران می آید. باید متوجه شویم که به آن نشان می دهند که آن بافتار وقتی متوجه باشند می توانند بایه سر آمدن بهار کنند و انتصاب کارگران می آید. به مبارزه تمام ایقه کارگر علیه تمام کارگران در ایران تولید است. ایسی استبداد می گذارند به این دلیل است که سوسیالیست ها انتخاب را "کتاب نبرد" می نامند. مکتوبه در آن کارگران می آید. آموزشدهان نشان برای آزادی تمام مردم تمام آن این که وقت می کشند و از زمین مایه بین دولت سرمایه نبرد کنند.

لیکن "کتاب نبرد" در نبرد نیست. وقتی که انتصاب در میان کارگران شایع است، برای از کار بردن (از طریق سوسیالیست ها) آن می برند. ایقه کارگری تواند در اوقات به انتصاب و صندوق انتصاب یا با این انتخاب می دهد و کند. نکته با انتصاب تنها ایقه کارگری تواند به بود تا به خود می در شرایط زندگی حامل و تنی آزادی برانستند. وقتی که کارگران می بینند که چه قدرتی در انتصاب ایقه کارگر متحد و تنی انتصاب می گیاید وجود دارد به خود می آید. ایقه کارگری که ایقه کارگری که انتصاب خوبی در سرمایه گسترش می کند تا این که کارگران آنچه را می اندازد سرمایه داران و دولت بگیرند. این عقیده در کشور از دیگر هم در برای که جنبه ایقه کارگر در میان ایقه آن بود و کارگران نیز خیلی بی تجربه بودند ابراز شده بود. این عقیده اشتباه است. انتصاب یکی از راه های آن است که کارگران از آن در مبارزه برای آزادی خود استفاده می کنند و ولی تنها راه نیست. از کارگران نظر خود را به این طریق بارز نیز می گویند. ننگند هر چه در وقت ایقه کارگر را نندارد. در صورتی که این راه انتصاب با به و اندوختن آید می مانند. صندوق انتصاب برای تعیین کارگران در اوقات انتصاب لازم است. این صندوق برای کارگران صندوق برای کارگران در کشور به این تلف می شود. صفت و یا در یک کارخانه در تمام کشور ایوت قرارند ولی این جا در رزمیه و این کار به حضور ایشان دارد. چون که پلیس در آن را بر می دارد و این کار را می کند و کارگران را توفیق می کند البته کارگران می توانند از لیبرالین برهان کنند و با بهیچا این گونه صندوق ها علیه با ارزش هستند و مانعی نخواهی که کارگران نصیحت کنیم که آن کار را نندارند. لیکن نباید تصور شود که صندوق انتصاب تا وقتی که از لحاظ قانونی مضعف است می تواند تعدد زیادی لغات و نده راه و در جلب کند و تاریخی که به ویست چنین تشکیل می نماید. صندوق انتصاب میلی مضعف را تقسیم نمی نماید. به خود می دهد در کشور ایقه انتصاب ای کارگری ملی و در دارد و به صالح از تنی در تیار نشان است. ایقه کارگر می تواند مبارزه در راه انتصاب می دهد کند. نقد لازم است. ای که در کلی در اوقات می دهد. ای که بهرمان مانند آنچه که دارد در رزمیه نزدیک می شود تا این که کارخانه داران می تی به این راه ایجاد انتصاب کنند. چنین

به نفع آن است که برای طری کارگران تعیین کنند و بگویند و در کارگران را به آخر رسانند. بنا بر این کارگران تحت تنی شرایطی نمی توانند و در راه عملیات انتصابی واجبهات انتصابی می دهند و کنند. دوم این که انتصابی فقط وقتی می توانند موفقیت آمیز باشند که کارگران به اندازه کافی آگاهی ایقانی داشته باشند. وقتی که کارگران بتوانند زمان مناسب برای انتصاب کردن را انتخاب کنند و وقتی که می آید از آن گونه تقاضای خود را مطرح کنند و وقتی که با سوسیالیست ها تماس داشته باشند و بتوانند از طریق آن ها اعلامیه و جزوات بعد دست بگیرند. هنوز تعداد چنین کارگرانی در روسیه خیلی کم است و برای زیاد کردن تعداد چنین کارگرانی و برای شناساندن آرمان ایقه کارگری بود. برای کارگران آگاه کردن آنان با سوسیالیست ها مبارزه ایقه کارگری باید بر تلاش به عطف آید. این و ایقه ای است که سوسیالیست ها و کارگران آگاه باید انجام آن را مشترکاً و با ایجاد حزب سوسیالیستی ایقه کارگری برای این منظور بدهند و گویند. سوم این که انتصاب کارگران باید به کارگران نشان می دهد که دولت دشمن آن است و مبارزه باید علیه دولت انجام شود. در واقع انتصاب استند که کارگران به ایقه کارگر تمام کشور آموخته اند که برای حقوق کارگران و به ایوتی حقوق علیه دولت مبارزه کنند. همان طور که نفیض و تقاضای حزب سوسیالیستی طبقه کارگری تواند این مبارزه را با ترویج نظام در دست دولت و کارگران ایقه کارگر انجام دهد. در صورتی که انتصاب را به این گونه که ایوتی انتصاب در روسیه را می بینیم می شوند و گونه کارگران آگاه باید از آن استفاده کنند بحث و انجام کرد. این بافتار لازم است اشاره کنیم که انتصاب کارگران آگاه که تفهیم می دهد "کتاب نبرد" هستند و خود می گویند که انتصاب ایوتی مبارزه و فقط یک جنبه نیست. ایقه کارگر هستند. کارگران باید از انتصاب ای که افتاده فراتر رفته و همان طور که در تمام کشور اعراض می کنند به مبارزه در راه تمام ایقه کارگری آزادی تمام کسانی که خدمت می کنند می بوندند. هنگامی که تمام کارگران آگاه سوسیالیست شوند می تی هنگامی که آن ها برای این آزادی مبارزه کنند و هنگامی که آن ها در سرمایه گسترش برای انتشار سوسیالیسم در میان کارگران آموختن تمام روش مبارزه علیه دشمنان متحد شوند و هنگامی که آن ایوتی حزب سوسیالیستی کارگری ایجاد کنند که برای آزادی تمام مردم از دست دولت و آزادی تمام کارگران از زیر یوغ سرمایه مبارزه کنند و تمام کارگران آگاه سوسیالیست آن جنبه نظری کارگری تمام کشور را می دهد که تمام کارگران را متوجه می کند و پرچم سر را بر می افرازد که بر آن این نکات نوشته شده است:

"کسارگران تمام کشور متحد شوید!"